

## پیک یزدان

سخنران: دکتر نصرت‌الله محمد حسینی

تاریخ اجراء: ۴ ژانویه ۲۰۰۲

سخنرانی هفتم

موضوع: شرح حیات و تعالیم حضرت بودا و آئین الهی صابئین

رادیو پیام دوست: شنوندگان عزیز رادیو پیام دوست، آقای دکتر نصرت‌الله محمد حسینی استاد پیشین دانشگاه طهران و پژوهشگر بهائی، در مسیر شرح تاریخ و تعالیم دیانت بهائی که خود بخشی از بحث کلی ایشان در باره تاریخ و تعالیم آئین‌های آسمانی به ویژه وحدت اساس ادیان الهی است، پس از اشاره به تکامل ادیان اظهار داشتند که در ظلّ ادیان الهی وحدت قبیله به وحدت قبائل و برخی ملل انجامیده و در این عصر نورانی وحدت کلّ نوع انسان تحقق خواهد یافت. دکتر محمد حسینی ضمن بررسی شریعت حضرت ابراهیم، شریعت حضرت موسی و شریعت حضرت زرتشت بدین نتیجه رسیدند که اساس ادیان الهی یکی است. امروز در آغاز به توضیح آئین حضرت بودا می‌پردازند و سپس بر ایمان آئین الهی صابئین را می‌کاوند.

دکتر محمد حسینی: بسیار سپاسگزارم، شنوندگان عزیز و پرمهر و باوفای رادیو پیام دوست، پس از درود فراوان، همانگونه که فرمودند امروز درباره حضرت بودا با یکدیگر گفتگو خواهیم داشت.

حضرت عبدالبهاء مبین کلمات حضرت بهاء‌الله و جانشین ایشان، حضرت بودا را از مظاهر مستقل الهی یعنی رسولان الهی و مؤسس دیانت جدید دانسته‌اند. می‌فرمایند حضرت بودا تأسیس وحدانیت الهیه فرموده‌اند ولیکن به تدریج اساس اصلی دیانت ایشان به کلی از میان رفته و عادات و رسوم جاهلیّه جایگزین اصل گردیده است. حضرت شوقی ربّانی نوّه دختری حضرت عبدالبهاء و جانشین آن حضرت نیز بیان می‌فرمایند که حضرت بودا چون حضرت مسیح از رسولان الهی بوده‌اند ولیکن مدرک موثقی از بیانات آن حضرت باقی نمانده است.

بر پایه تحقیقات ده‌ها پژوهشگر برجسته می‌توان بیان نمود که حضرت بودا در دو سده ششم و پنجم پیش از میلاد حضرت مسیح می‌زیسته‌اند.

رادیو پیام دوست: ببخشید سخن شما را قطع می‌کنم آیا بودا نام اصلی این مظهر الهی یعنی رسول الهی بوده یا نام دیگر داشته‌اند و این لقب آن حضرت است؟

**دکتر محمدحسینی:** بودا لقب آن حضرت بوده است. بودا از واژه سانسکریت بُود (Boodu) به معنای روشن یا روشن شده آمده است. نام اصلی آن حضرت سیدهارتا (Sidhartha) و نام خانوادگی‌شان گوتاما (Gautama) بوده است. حضرت بودا در هندوستان و در کنار مرز جنوبی سرزمین نپال و در خانواده‌ی یکی از راجه‌های معروف و بسیار ثروتمند زاده شدند. در هنگام تولد ایشان پیشگویی شده که آن حضرت حاکم یا معلم جهانی خواهند شد. حضرت بودا در حدود سی سالگی زرق و برق زندگی دنیوی و ثروت و شهرت خانوادگی و زادگاه خویش را رها کرده به جهت کسب نیروی روحانی راهی دیار دیگر شدند. در سی و پنج سالگی به مقام مظهریت الهیه یعنی به مقام رسالت برگزیده شدند و قیام بر انتشار امر حضرتشان فرمودند. به پیروان خویش آموختند که تبرک و تقدس کامل از طریق فنای وجود فردی یعنی نابود کردن هوی‌ها و آرزوهای حیوانی و به اصطلاح انجذاب روح در روح اعلی حاصل می‌شود. تلاش آن حضرت این بود که هر گونه کژی چون قتل، دزدی، دروغ، بی‌عفتی و باده‌گساری را از سیمای زمین براندازند. بر اساس تعالیم آن حضرت وصول به نیروانا یعنی آرامش کامل و وصل به هستی مطلق هنگامی میسر می‌شود که باور کنیم توجه بسیار به جهان خاک جز غم ثمری به بار نمی‌آورد. ریشه غم‌ها آرزوها و هوس‌های زودگذر ماست. اگر این هوس‌ها کاهش یابد غم کاهش می‌یابد. راه کاهش هوس‌ها و در نتیجه غم‌ها اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک است. توجه و تفکر در خصوص هدف زندگی ما سبب تنبّه ماست و ما را به بهشت نیروانا یعنی آرامش ابدی می‌کشاند.

**رادیو پیام دوست:** اینطور که می‌فرمائید روشن است که اساس آئین آسمانی حضرت بودا هم کاملاً مشابه اساس آئین آسمانی حضرت زرتشت و دیگر ادیان الهی است.

**دکتر محمدحسینی:** دقیقاً همین است که می‌فرمائید. اساس ادیان الهی یکی است، حضرت بهاءالله می‌فرمایند، حضرت بودا حدود چهل و پنج سال مردم را به وحدت اساس ادیان به آئین خویش دعوت فرمودند و در هشتاد سالگی صعود فرمودند یعنی روحشان به ملکوت جاودان پرواز کرده است. آئین حضرت بودا سبب هدایت میلیون‌ها از مردم جهان گردیده است ولیکن با تأسف باید گفت که بعدها پیروان آن حضرت از عقاید اصلی انحراف یافته و بیشتر به مشتی اوهام پای‌بند شدند که با حقیقت اصلیه آئین آن حضرت تطابق نداشته است. کتاب مقدس بودائیان سه مجموعه تحت عنوان پیتاکا یا پیتاکال (Pitaka) که طیّ زمان‌ها فراهم گشته است و شاید برخی از بیانات حضرت بودا به اصالت در آن سه مجموعه باقی مانده باشد. اختلافات موجود میان فرق قدیم و جدید بودائی کار کشف حقیقت اصلیه آئین آن حضرت را بسی دشوار کرده است. آنچه می‌توان

گفت اساس آئین آن حضرت چون دیگر آئین‌ها لزوم اتحاد آدمیان، ترک هواهای مضر نفسانی، ضرورت اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک است.

در زمانی که حضرت بودا به عنوان مظهر الهی یعنی رسول الهی در هندوستان ظهور فرمودند، نفوس دیگری هم برای ترویج اصول عالیّه اخلاق انسانی قیام کردند. کنفوسیوس (Confucius) از آن جمله بود که تجدید حیات اخلاقی مردم چین نمود. دیگر معلم اخلاق، تائو (Tao) بود که او نیز در چین و معاصر کنفوسیوس بود و مکتب روحانی و اخلاقیش به تائوئیزم (Taoism) معروف است. ماها ویرا (Maha Vira) هندی معلم اخلاق و مصلح آئین هندو نیز در قرن ششم پیش از میلاد حضرت مسیح می‌زیست و مکتب اخلاقی و روحانی او به جینیزم (Jainism) شهرت دارد. شینتوئیزم (Shintoism) مکتب دیگری است که پیش از حضرت مسیح پدید گشته و بیشتر در کشور ژاپن ترویج گردیده است. حالا پس از بیان حیات و شریعت حضرت بودا به جاست از آئین صابئین یاد کنیم.

در آثار مبارکه امر بهائی و نیز قرآن شریف ذکر آئین صابئین به عنوان آئین الهی گردیده است. باید توجه داشت که پیروان حضرت یحیی تعمید دهنده مبشر حضرت مسیح نیز به صابئین معروف‌اند و ما هنگام بحث از آئین حضرت مسیح به حضرت یحیی تعمید دهنده اشاره خواهیم کرد و خواهیم گفت که آنان نیز از بازماندگان صابئین حرّانی هستند که گرد حضرت یحیی انجمن کرده‌اند. به هر حال حضرت یحیی مظهر الهی مستقل یعنی رسول مستقل الهی مانند حضرت مسیح یا حضرت زرتشت نبوده‌اند. مراد ما از آئین صابئین آئینی آسمانی است که متأسفانه نام مؤسس و تاریخ پیدایش آن دقیقاً معلوم نیست و تنها می‌توان گفت که پیش از حضرت ابراهیم پدید گشته است. این آئین که به دیانت حُنفاء نیز شناخته شده است اصلاً در کلدان و حرّان در سرزمین بین‌النهرین قدیم پدید گردیده و همانگونه که ضمن بیان شرح حیات حضرت ابراهیم معروض شد پدر آن حضرت از صابئین حرّانی بوده که به بت‌پرستی گرایش یافته است. به هر حال عقاید صابئین طیّ روزگاری دراز با خرافات آمیخته شده و متأسفانه حقیقت آن در پس ابرهای اوهام مخفی گردیده است. حضرت بهاءالله مؤسس امر بهائی در یکی از آثار مبارکش در خصوص صابئین بیانی می‌فرماید که مفادش این است: صابئین عقیده دارند که آئین آنها از شیث و ادريس گرفته شده و خود را به صابی ابن ادريس نسبت می‌دهند. شنوندگان عزیز توجه دارند که بر اساس محتوای توراة مقدّس شیث پسر حضرت آدم و به استناد قرآن شریف ادريس از انبیای الهی بوده است. حضرت بهاءالله همچنین به انحراف صابئین از عقاید اصلی و بت‌پرستی آنان اشاره

فرموده‌اند. حضرت شوقی ربّانی نیز اشاره به انحراف صابئین از عقاید اصلی الهی خود فرموده‌اند. به هر حال پس از بررسی تنبّعات ده‌ها پژوهشگر برجسته می‌توان بدین نتیجه رسید که اگرچه صابئین بعدی از عقاید اصلی الهی خویش انحراف یافته‌اند ولیکن این آئین نیز چون دیگر آئین‌های الهی به خدای واحد و جاودانگی روح انسانی و لزوم اتحاد آدمیان و نیز ظهور انبیای الهی اعتقاد داشته است.

**رادیو پیام دوست:** آقای دکتر محمدحسینی قبل از اینکه به این صحبت پایان دهیم. اگر ممکن است توضیح بفرمائید که کلمه صابئین از کجا آمده و به چه مفهوم است:

**دکتر محمد حسینی:** پژوهشگران غربی واژه‌های صائبی، صابی، صُبی، را در ارتباط با معنای شستشو و غسل دانسته‌اند زیرا در زبان‌های آرامی و سریانی و عربی این معنا نیز از واژه‌های مذکور مفهوم می‌شود. به همین دلیل پیروان حضرت یحیی تعمید دهنده را که به صابئین و ماندائیان معروف‌اند جماعت مغتسله نامیده‌اند. اما شهرت صابئین حرّانی به این نام ممکن است علت دیگری نیز داشته باشد و شاید الفاظ صابی، صُبی و صائبی چنانچه پژوهشگر برجسته شهرستانی نیز در کتاب ملل و نحل گفته‌اند در ارتباط با معنای انحراف از حقیقت به کار رفته باشد.

در هفته آینده نکات مربوط به آئین مقدّس هندو را می‌کاویم تا روشن شود که اساس اولیّه آن آئین نیز همانند اساس ادیان الهی دیگر است ولیکن به مرور ایّام پیروان آن آئین به برخی از اوهام و خرافات نیز گرائیده‌اند. سپاسگزارم ش